

آیت‌الله عبداله جوادی املى از چهاره‌های برجسته حکمت و اندیشه اسلامی در دوران معاصر است که طی سال‌های گذشته اثاث‌بساپاری نیز در ارتقا با علوم انسانی از خویش بر جای گذاشته است. در پیشتر گفتارها و نوشتارهای سالان اخیر ایشان می‌توان رد پای تلاش برای تبیین مبانی دینی و حکمی علوم انسانی را یافته. در سال ۱۳۸۶ نیز کتابی با عنوان «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» از اثاث ایشان به کوشش حجت‌الاسلام و المسالمین حامد واعقلی به چاپ رسید که به جایگاه عقل در منظومه معرفت دینی و نسبت آن با وحی و نقل و علم می‌پرداخت. این کتاب در واقع حامل نظریه آیت‌الله درباره «علم دینی» بود و مورد توجه محاذل علمی کشور فراز گرفت.

از سوی دیگر آیت‌الله جوادی املى متنکی به نظریات و ابتکاراتی که پیرامون عقلاتیت معرفت و علم بدان رسیده، در زمینه مبانی و مبادی «توسعه» از دیدگاه اسلام نیز صاحب‌نظر به شمار می‌رود و در قالب مباحث مبسوط و دقیقی به آن پرداخته است. اینچه در این جامد برسی دقیق تر قرار گرفته، مضمون نظریه علم دینی ایشان و تأثیر آن بر نگاه مایه توسعه است. آیا نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی را هم برای بیرونی اسان گیرانه‌تر با ریشه‌ها و میوه‌های توسعه هموار می‌کند؟ یا آن که مبانی نو و پویانتری برای حسوس‌وجوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فراهم می‌ورد؟

به نظر می‌رسد دیدگاه ما نسبت به این نظریه، تأثیر مستقیمی بر تلقی ما از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خواهد داشت. با این حال تاکنون چنان که باید به این جنبه از نظریه آیت‌الله جوادی املى توجه نشده است. خراسان دغدغه خود را در این زمینه با گروهی از نخبگان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه در میان گذاشت تا زمینه‌های نقد و بررسی نظریه ایشان را از این نظر فراهم اورد. سیاری از کسانی که از آن‌ها نظرخواهی شد، رأی و شرطی طبل طرح در این باره داشتند. اما پس از آن‌ها به علیه از بیان نظرات و انتقادات خویش صرف نظر ننمودند. بنابراین اینچه پیش رو دارد در بردازند و بازتابنده دیدگاه‌های بخشی از جامعه علمی کشور نسبت به نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی املى و به خصوص تأثیر آن بر توسعه است.



کالبدشکافی یک نظریه